

روزنه

دولت محترم لطفا به خودش رحم کند!

سعید فرج‌پور

● ۱- مشارکت مثال‌زدنی بخش‌های متنوع مردم در رقم‌زدن نتیجه انتخابات ۹۶ محصول یک چیز بود: کنارنهادن آرمان‌های حداکثری و پرداختن به ممکن‌های صحنه سیاسی کشور. دولتمردان کام‌گرفته از قدرت حالا آماده می‌شدند کام حامیان برتعهد خود را شیرین کنند.

۲- هنوز چند هفته از این پیروزی شیرین نگذشته بود که برخی تغییر رویه‌ها در رفتار دولت محترم نمایان شد و به نگرانی برخی از حامیان دیروز و امروز دولت دامن زد و نقدهایی کوچک و بزرگ از گوشه‌گوشه پازل متحد حامیان دولت که در انتخابات بر مبنایی حداقلی به چیده‌شدن و آرام‌گرفتن در کنار یکدیگر تن داده بودند نقش بست و منتشر شد. باید به ریشه‌یابی شکل‌گرفتن این نقدها پرداخت و به حوزه عمومی جامعه پاسخ مستدل داد که چگونه و به چه واسطه‌ای می‌توان به این تغییر رویکردها رنگ عاقلانه‌ای زد و آن را در گوشه‌ای از کاسه صوری خود تحمل کرد.

۳- آیا دولت به‌واقع از آنچه به حامیان‌ش وعده داده بود فاصله گرفته است؟ پاسخ به این پرسش مستلزم دراختیارداشتن اطلاعات کافی از ضرورت‌های رفتاری این روزهای دولت است. هرچند این پذیرفته است که بسیاری از فرآیندهای پشت‌پرده سیاست بنا به مصلحت‌هایی قابل انتشار در بخش‌های عمومی جامعه نیست، اما آیا این اطلاعات را حتی نمی‌توان در اختیار حلقه‌ای انتخاب‌شده و مدون از شخصیت‌های مرجع سیاسی که به نوعی پایگاه اجتماعی حامی دولت را نمایندگی می‌کنند، قرار داد؟ اگر امروز دولت ناچار است ابراستراتژی‌های دیگری را به‌جز آنچه در پوشش‌های انتخابات خود به آن پرداخته پی بگیرد و ضرورت‌های دیگری را در کشاکش تعامل با ساختار قدرن برآورد و احیاناً مشارکت بیشتر آن بخش از قدرت را در حوزه‌های اقتصادی با تولید اشتغال مهیا کند، مطلع‌بودن نخبران جریان‌های سیاسی حامی دولت از این ضرورت‌ها نباید چندان دور از انتظار باشد. اگر نمی‌توان این ضرورت‌ها را در بستر رسانه نقل کرد و به افواه عمومی منتقل کرد؛ لاقال می‌توان با طراحی یک حلقه اتصال از عناصر مرجع سیاسی حامی دولت موضوعات را به این کنشگران منتقل کرد تا با پی‌ریزی گفتمانی متفاوت از گفتمان حمایتی به دوره انتخابات، همچنان حمایت از آن ادامه یابد. امروز در حوزه عمومی جامعه دیگر نمی‌توان فقط با تکیه بر گفتمان بگرام و بازسازی دستاوردهای احتمالی آن از دولت حمایت کرد و بنده اجتماعی را قانع کرد. اگر بر ناکارآمدی این گفتمان، ایجادنشدن تحول محسوس در حوزه‌های اقتصادی، پولی، بانکی، سیاسی و اجتماعی را بیفزاییم، درخواهیم یافت بی‌افکندن یک گفتمان جدید برای حمایت از دولت در جامعه تا چه اندازه (در سایه دلایل غیرشفاف تغییر رفتار آن) ضروری است. اگر دولت محترم هنوز به پایگاه اجتماعی خود واقعی می‌گذارد (که معقول باید بگذارد) لازم است نسبت به بازسازی رابطه خود با پایگاه اجتماعی حامی‌اش اقدام عاجل و مؤثر انجام دهد، وگرنه ریزش‌هایی که اندک‌اندک صدهای آن از سپهر عمومی به گوش می‌رسد، سرنوشت دلپذیری را نه برای دولت و نه برای مردم رقم نخواهد زد. بی‌افکندن سپهر زبانی این گفتمان بازسازی‌شده و جدید مستلزم وجود اطلاعات کافی از موقعیت محترم در رویکردهای متفاوت آن به‌ویژه در دامنه مطالباتی است که در دوران انتخابات به آنها دامن زده شده است. اطلاعاتی که انتظار می‌رود دولت محترم با رجوع به حلقه‌های واصل خود به احزاب و گروه‌های حامی خود در اختیارشان قرار دهد؛ وگرنه در شرایطی که دولت عملاً ارتباط ارگانیک خود را با پایگاه اصلی اجتماعی‌اش قطع کرده و درعین‌حال با جریان رقیب خود مهربان‌تر می‌نماید؛ و اصولاً از ضرورت این تغییر رفتار مد برنمی‌آورد و پایگاه اجتماعی خود را مدام به گمانه‌زنی‌های غیرومستند وامی‌دارد، چگونه می‌توان در سایه ناآگاهی بخش‌های مرجع پایگاه اجتماعی حامی دولت از این ضرورت‌ها که منجر به تغییر رفتارهای دولت شده، هم به ساختن این گفتمان پرداخت و هم فهم آن را در جامعه ممکن کرد؟

۴- دولت از این منظر باید لاقابل به خودش رحم کند! مطالبه‌کنندگان سیاسی حامی دولت و در رأس آنها اصلاح‌طلبان نه مشارکت مستقیم در قدرت است و نه حتی هماهنگی در چشش قدرت با آنهاست. اصلاح‌طلبان با ادامه روند حمایت مشروط خود از دولت محترم فقط خواستار آن هستند که با فهم همه حقایق لای‌ها و پشت پرده‌های دولت در تعامل با جریان مقابل و احتلام مشروع‌فرض‌کردن همه این پشت پرده‌ها (چنانچه با منافع ملی تقابلی نداشته باشد) سبک حمایت خود از دولت و گفتمان آن را بازسازی کرده تا از ریزش احتمالی پایگاه اجتماعی و اصطلاحاً «قهر توده‌ها» جلوگیری کنند. یافتن حلقه‌ای قابل اعتماد از میان شخصیت‌های اثرگذار در پایگاه اجتماعی دولت و انتقال اطلاعات مربوط به این تغییر رویکردها نباید کار چندان دشواری باشد. وقتی باره‌ای از تغییر رفتارها به آنجا کشیده می‌شود که دولت مجرم گاه نمایندگان و مدیران سیاسی خود را (اعم از بخشداران و فرمانداران و...) از جریان مقابل خود در انتخابات، انتخاب می‌کند (جربانی که در دوره انتخابات نشان داد فقط با دولت چالش گفتمانی ندارد) بدون فهم پشت پرده‌های این شبهه استفاده‌ها ادامه حمایت جریان‌های اصیل حامی دولت در انتخابات ۹۶ بسیار دشوار به نظر خواهد رسید.

politics@sharghdaily.ir

سیاست

گفت‌وگو با پروانه مافی درباره شکل‌گیری فراکسیون «خانواده»

مجلس دهم ۸۸ فراکسیون دارد

قانون باید از حضور اقتصادی زن حمایت کند



علی. مافی. عضو فراکسیون سیاست

زیاد است. بسیاری از نمایندگان در این فراکسیون‌ها مشترک فعالیت می‌کنند. بعد از فراکسیون خانواده، فراکسیون حقوق شهروندی شکل گرفت. حالا بگوییم آنها هم موازی ما کار می‌کنند. این از عدم‌شناخت فضای داخل مجلس می‌آید. نباید بدون شناخت قضاوت کرد. ما تقسیم‌بندی‌هایی داریم؛ در مسائلی که همپوشانی هست تقسیم‌بندی می‌کنیم تا موازی‌کاری انجام نشود.

اجازه بدهید برگردیم به تغییر نام مرکز امور زنان ریاست‌جمهوری به زنان و خانواده در دوره احمدی‌نژاد. درواقع در آن دوره عده‌ای بنا داشتند با انواع طرح‌ها و ایده‌ها حضور زن را معطوف به خانه ترسیم کنند، آن هم زمانی که زنان ما ناگزیر از کار در بیرون از خانه‌اند و چرخ خانه‌ها با یک تیران‌آور نمی‌چرخد. از این نظر سؤال می‌پرسم که این نام خانواده، وقتی شما فراکسیون زنان دارید، چه کارکردی دارد؟

اینها برداشت‌های غلطی است که متأسفانه هنوز وجود دارد. البته آنچه را در گذشته نه‌چندان دور اتفاق افتاد من هم به‌خاطر دارم، اما قطعاً زنان حاضر در مجلس هم اشتراکی با آن نوع نگاه ندارند.

مهم‌ترین مقامی که برای زن هست، مقام مادری است. اما به این معنا نیست که اگر این را می‌گوییم و به تحکیم خانواده اشاره داریم، با نقش زن در اجتماع مخالف باشیم. می‌توانیم در عین اینکه خانواده موفق و مادر موفق و فرزندان موفق داشته باشیم، شرایط و قوانین را برای حضور اجتماعی و اقتصادی زن آماده کنیم.

استدلال شما درست، اما نگاه بیرونی این است که در نهایت همین چند خانم در مجلس نمی‌توانند با هم کار کنند، به‌هرحال پاسخخان به این نقدها چیست؟

۸۸ فراکسیون در مجلس ایجاد می‌شود، هیچ‌کس از این حرف‌ها نمی‌گوید، ولی تا در حوزه زنان دو فراکسیون شکل می‌گیرد این نقدها شنیده می‌شود. البته بخشی‌اش هم به خود زنان و موضع‌گیری‌های آنان برمی‌گردد.

درحال حاضر چند فراکسیون داریم؟

نزدیک به ۸۸ فراکسیون در مجلس فعالیت

می‌کنند، ولی ۱۵ فراکسیون از جانب هیئت‌رئیس به رسمیت شناخته شده و فراکسیون زنان و خانواده جزء همین فراکسیون‌ها هستند.

اولویت فراکسیون خانواده چیست؟ پژوهش‌های حوزه خانواده را مدون خواهیم کرد. در بخش دانشگاهی مراکز متعددی داریم که سال‌هاست در حوزه خانواده کار کرده‌اند؛ پژوهش‌هایی که اغلب خاک می‌خورند. با مرکز پژوهش‌ها نیز در تماس نزدیکی هستیم.

از نظر شخص شما کدام قانون در حوزه زنان و خانواده نیازمند تغییر فوری است؟

امنیت زنان در خانواده و مباحث اشتغال و پارادوکس حضور زنان در فضای شغلی و خانواده باید به شکلی حل شود. قانون باید از حضور اقتصادی زن حمایت کند، به‌نجوی که هم حضور شغلی زن به رسمیت شناخته شود و هم حمایت‌هایی از مقام و نقش مادری و همسری برای زنان در نظر گرفته شود.

آنچه شما می‌گویید، گزاره‌هایی کلی است، چه موقع به گزاره‌های مصداقی می‌رسید؟ من خودم هم اشاره کردم که هنوز در کلیات هستیم، اما مصداق‌های فرعی را هم استخراج خواهیم کرد و روی آنها برنامه‌ریزی می‌کنیم.

فکر می‌کنید در مسئله حضانت، فراکسیون شما بتواند برای زنان کاری کند؟

مسائل حضانت روشن است و نیازمند قوانین جدید نیست... اما مشکل هم هست، شاید در برخی محاکم سلیقه برخی قضات فرق کند. بحث حضانت فرزند، چه دختر و چه پسر الان به شکلی است که هر دو تا هفت سال نزد صادر نگهداری می‌شوند. اگر پدر شایسته نباشد، خب بچه به پدر تعلق نمی‌گیرد، اما هر هم بگیرد،منظورم پدری فاقد شرایط است! از منظر سلیقه‌ای شخصی قضات در برخی محاکم و رای قاضی است و این هم قابل پیگیری است.

قوانین کافی است؟

نمی‌خواهم بگویم همه‌چیز کافی است. اما قوانین موجود در حوزه حضانت مناسب است. بعد از طلاق، چه دختر و چه پسر می‌تواند تا هفت‌سالگی با مادر باشد. بعدش هم معمولاً دادگاه یا از خود بچه می‌پرسد یا شرایط را در نظر می‌گیرد و ماجرای حضانت تعیین‌تکلیف می‌شود.

اتفاقا خیلی از مسائل بعد از همان هفت سال اتفاق می‌افتد و زن‌ها آسیب می‌بینند؟

ببینید قوانین کافی و بدون اشکال نیست. می‌شود برای اینها هم فکر کرد و تکمله‌هایی آورد. به همین خاطر است که به شما می‌گویم، کار ما موازی‌کاری نیست. اتفاقاً نیاز است چند فراکسیون دیگر هم تشکیل شود تا از پس کارها برآییم.

قضات زن چطور؟

در قوه قضائیه قاضی زن زیاد داریم.

آماری هم در اختیار دارید؟

آمار دقیق که نه! ولی آمار خوبی از قضات زن وجود دارد. آنها می‌توانند در این شرایط قضاوت هم داشته باشند. قوه قضائیه هم مشکلی ندارد. نیازمند کار فرهنگی هستیم. فشار به کمیسیون قوه قضائیه برای پیگیری همین ماجرا یکی از اینهاست.

دریچه

محسن رفیق‌دوست:

در انتخابات ۸۸ احمدی‌نژاد در بین مردم پول توزیع کرد

● **ایلتا:** محسن رفیق‌دوست گفت: «برای انسجام نباید فشار یا اجباری باشد، بلکه باید ضرورت آن احساس شود، کمالینکه تصویری پیدا شد که بین دولت و سپاه شکافی وجود دارد و دولت و سپاه آن را فهمیدند و زود ترمیم کردند و نگذاشتند دشمن نفوذ کند و این را باید جناح‌های سیاسی هم بفهمند». این‌فعال سیاسی اصولگرا با بیان اینکه بخشی از اصلاح‌طلبان را قبول دارم و بخشی را هم قبول نداشته و آنها را برانداز می‌دانم، اظهار کرد: «در کشور ما مسئله ولایت فقیه غیر از اینکه سیستم نو حکومت در جهان معاصر است، امتیازی محسوب می‌شود که هیچ کشوری از آن برخوردار نیست و باید همه از این ظرفیت استفاده کنند».او درباره تلاش برخی اصولگرایان مبنی بر اصلاح‌طلب‌هراسی، بیان کرد: با این رفتار باید مخالفت کرد. البته یکی از کارهای ما همیشه مخالفت با این رفتارها بوده است، اما در زمان مرحوم عسکروالادی به دلیل اینکه ایشان دارای وجهه اجتماعی وسیعی بود، اقداماتش بیشتر مشهود بود».این‌فعال اصولگرا گفت: «آقای خاتمی را آدم خوبی می‌دانم و ان‌شاءالله زودتر مسئله‌ای که برایش ایجاد شده برطرف می‌شود، ولی آتهایی که نگذاشتند مسائل مربوط به آقای خاتمی حل شود، اکنون دارند از اطراف ایشان کنار می‌روند، بنابراین اطرافیان خاتمی هستند که اجازه حل مسائل را نمی‌دهند».او با بیان اینکه در پایان ریاست‌جمهوری خاتمی به‌عنوان یک اصولگرا نزد ایشان رقتم و از او تشکر کردم، اظهار کرد: «با توجه به سابقه رفاقتی که با خاتمی داشتم، روز دوم ریاست‌جمهوری ایشان در دیداری به او گفتم آقای خاتمی می‌خواستی یا نمی‌خواستی، دانسته یا نادانسته به تاریخ پیوستی و در تاریخ پادشاهان و رئیس‌جمهورها ماندگارند، حتی نخست‌وزیران ماندگار نیستند و تنها یک امیرکبیر به‌عنوان نخست‌وزیر ماندگار شد. حال که در تاریخ ماندگار هستی، کاری کن که خوب بمانی که ایشان سؤال کرد چه باید کرد؟ پاسخ دادم زیر عبای آقا سیدعلی‌آقا (مقام معظم رهبری) می‌روی و بیرون نمی‌آیی؛ در مقابل رهبری نبایست، چون اعتبار ریاست‌جمهوری در ایران از رای مردم شروع می‌شود و با تنقید رهبری واقعیت پیدا می‌کند. قانون ما این است، بنابراین تا رهبری تنفیذ نکند یک ساعت هم رئیس‌جمهور نمی‌تواند در پایستور باشد».رفیق‌دوست تأکید کرد: «خاتمی در دوران ریاست‌جمهوری خود تا آنجایی که توانست حریم را نگه داشت. خاتمی آدم خوبی است و من قبولش دارم».او درباره انتخابات سال ۸۸ گفت: «در آن انتخابات تخلف نبود و آنچه باعث شد رای یک‌مرتبه میلیونی بالا برود، غلط احمدی‌نژاد مبنی بر توزیع پول در بین مردم بود که رای دهند و از روز اول با آن مخالف بودم و این موارد قلب نیست».رفیق‌دوست در پاسخ به اینکه آیا خرید رای و وعده دروغین تخلف محسوب نمی‌شود؟ گفت: «تخلف نیست، چون قانوناً نمی‌توانند با آن کاری کنند و دیگر اقدامی که شد این بود که از قول آقا گفتند که ایشان طرفدار احمدی‌نژاد هستند. اینها باعث شد رای‌ها بالا برود».او ادامه داد: «قلب صورت نگرفت و رای‌ها را عوض نکردند، اما برخی گفتند رای موسوی در صندوق ۲۴ میلیون است و این دروغ بود که به سید گفتند».

ادامه از صفحه ۳

رنگ‌ختری برای وحدت خانواده انقلاب

... گفت: شخصاً «اعتدال» را یک گفتمان نمی‌دانم و شرایط زمانی ما را به سیری برد که واژه «اعتدال» را به «اصلاحات» الصاق کردیم، درحالی‌که الزاما نیازی به این کار نبود، چراکه در دل گفتمان اصلاحات، اعتدال نهفته است. او گفتن اصلاحات را پاسخ‌گویی نیازها دانست و گفت: در یک جبهه سیاسی، هر حزبی باید وزن خود را در داخل آن جبهه سیاسی بشناسد و با توجه به وزن خود فعالیت کند و انتظاراش را با توجه به وزن و جایگاه خود هماهنگ کند. عارف با تأکید بر اینکه حرکت جبهه‌ای نباید باعث واگرایی بین احزاب سیاسی شود، گفت: نگاه قیّم‌بانه و پدِرسالارانه در حرکت جبهه‌ای نباید وجود داشته باشد و اگر حزب یا احزابی بخواهند نگاه قیّم‌بانه نسبت به دیگر احزاب داشته باشند، مطمئناً شکست خواهند خورد و حرکت جبهه‌ای را با مشکل روبه‌رو خواهند کرد. رئیس فراکسیون امید، وحدت تشکیلاتی را یکی از اصول مهم حرکت جبهه‌ای دانست و با اشاره به دستاوردهای شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان، یادآور شد: رقیب جریان اصلاحات تلاش زیادی کرد که با ال‌گوبرداری از شورای‌عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان جبهه‌ای عمل کنند، ولی باز هم موفقیتی کسب نکردند. عارف در پایان حرکت جبهه سیاسی را مقدمه تشکیل حزب فراگیر دانست و تأکید کرد: اگر به تاریخ سیاسی کشورمان نگاه کنیم می‌بینیم که بسیاری از جبهه‌های سیاسی مانند جبهه ملی بعد از مدتی انشعاب‌هایی در داخل آنها ایجاد شد، به‌همین‌دلیل هیچ راهی جز تشکیل حزب فراگیر نداریم و شرط رسیدن به آن، حرکت منسجم و هم‌گرایی حداکثری در داخل جبهه اصلاحات و مبناقسرآردان منافع جریانی در مقابل منافع حزبی و گروهی است.